

نشریه جامعه‌شناسی کاربردی

سال سی و یکم، شماره پیاپی (۷۹)، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۹

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۰۱

صص ۱-۲۰

بررسی پدیدارشناسانه آگاهی زنان متأهل از فرزندآوری

سعیده میرابی، دانشجوی دکتری، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

mirabi.saeede@gmail.com

حسین میرزایی، استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

hmirzaei@um.ac.ir

غلامرضا حسینی درمیان*، استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

gh-hassani@um.ac.ir

چکیده

از پرسش‌های اساسی جمعیت‌شناسان و جامعه‌شناسان این است که چرا میزان باروری در چند سده اخیر کاهش پیدا کرده است. صاحب‌نظران، عواملی مختلفی را دلیل تغییر در رفتار باروری انسان سده ۲۰ و ۲۱ می‌دانند. پرسش اساسی این است که آگاهی انسان مدرن نسبت به فرزندآوری چه تغییری کرده است و او چه برداشتی از فرزندآوری دارد. ایران از جمله کشورهایی است که کاهش در میزان باروری را در ۵۰ سال اخیر تجربه کرده است. هدف پژوهش حاضر، بررسی آگاهی زنان متأهل نسبت به فرزندآوری است. بدین منظور به روش پدیدارشناسی، آگاهی و تجربه فرزندآوری ۱۱ زن متأهل بررسی شده است. بنا بر نتایج، پدیدار اجتماعی فرزندآوری شامل تم‌های مرکزی معنای فرزندآوری، تعداد فرزندان ایده‌آل، تعداد فرزندان معقول، ترجیح جنسی فرزند، دلایل فرزندآوری، موانع فرزندآوری، موانع فرزندآوری، بیش از حد معقول، نگرانی از فرزندآوری، نگرانی از نداشتن فرزند، تجربه فرزند داشتن، تجربه بارداری، تصور حاملگی، پیروی از الگوی فرزندآوری مادر، دلایل رضایت یا نارضایتی از تعداد فرزندآوری خانواده مبدأ و چگونگی تشویق مادر به فرزندآوری است. این پدیدار اجتماعی حاصل میان‌ذهنیت مشارکت‌کنندگان پژوهش درباره فرزندآوری است.

واژه‌های کلیدی: پدیدارشناسی، باروری، فرزندآوری، دلایل فرزندآوری، موانع فرزندآوری

* نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۱۱۳۳۹۴۶



مقدمه و بیان مسئله

همان‌طور که آمارها نشان می‌دهند میزان باروری کل^۱ در ایران در پنج دهه اخیر رو به کاهش بوده است؛ برای مثال میزان باروری کل در سال ۱۳۳۵، ۷/۲ به ازای هر زن بوده است که در تغییری واضح از ۶/۵ فرزند در سال ۱۳۶۵ به ۲/۸ فرزند در سال ۱۳۷۵ رسیده و در سال ۱۳۹۵ تا ۲/۱ کاهش پیدا کرده است (احمدی و ازوجی، ۱۳۹۶: ۶۲).

صاحب‌نظران دلایل مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را عامل تغییرات در میزان باروری می‌دانند. پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهند جامعه ایران در ۵۰ سال اخیر با تغییر در ارزش‌های فرزندآوری روبه‌رو بوده است. آنچه مهم است آگاهی مشترک (میان‌ذهنیت) افراد ایرانی نسبت به فرزندآوری به منزله امری چالش‌زا (که در برهه‌ای از زندگی با آن روبه‌رو می‌شوند) است؛ اینکه افراد چه نگاهی به فرزندآوری دارند و در مقابل این مسئله چه انتخاب‌هایی می‌کنند. میان فلاسفه، پدیدارشناسان آگاهی را مهم‌ترین موضوع بررسی‌پذیر می‌دانند که نقش تعیین‌کننده‌ای در ساخت جهان اجتماعی ایفا می‌کند؛ در واقع، به باور برساخت‌گرایان اجتماعی همین آگاهی اجتماعی است که جهان اجتماعی را در فرایندی دیالکتیک برمی‌سازد؛ بنابراین، پرسش از آگاهی و پژوهش درباره آن از گام‌های اساسی در شناخت رفتار اجتماعی انسان است. با وجود اهمیت بررسی جهان ذهنی و میان‌ذهنیت افراد درباره فرزندآوری، تاکنون پژوهشی به روش پدیدارشناسی در این مورد انجام نشده است. برای مثال بیشتر پژوهش‌های داخلی انجام‌شده درباره باروری مطالعاتی کمی‌اند که عوامل مؤثر بر باروری و میزان باروری در مناطق مختلف را بررسی کرده‌اند؛ در حالی که به نظر می‌رسد تمایل ایرانیان به فرزندان کم، محصول تغییرات در انگاره‌های ذهنی آنها درباره فرزندآوری است که بهتر از هر روشی با روش

پدیدارشناسی بررسی‌شدنی است؛ در نتیجه، پژوهش حاضر بر آن است آگاهی مشترک زنان متأهل ایرانی از فرزندآوری، ریشه‌های این آگاهی و تجربه زیسته آنها در رویارویی با تصمیم فرزندآوری را واکاوی کند.

پیشینه پژوهش

الف) پیشینه نظری

دانشمندان حوزه‌های مختلف به رفتار باروری توجه کرده‌اند. میان نظریه‌های اقتصادی که باروری را تبیین می‌کنند، نظریه‌های خردمقیاس با اهداف پژوهش حاضر سازگاری بیشتری دارند. برای مثال بکر عنوان می‌کند که در نظر بسیاری از والدین کودکان منبع درآمد فیزیکی یا رضایت روانی اند. در اصطلاح اقتصاددانان این بدان معنی است که کودکان کالای مصرفی‌اند. بکر تلاش می‌کند نشان دهد تقاضا برای پایداری مصرف‌کننده، چارچوبی مفید در تجزیه و تحلیل تقاضا برای کودکان است (Becker, 1960: 210-211). ایسترلین، عوامل اقتصادی خردمقیاس در باروری را بررسی کرده است. نظریه او بر تقاضا برای کودکان به منزله کلیدی در فهم رفتار باروری تأکید می‌کند. تعیین‌کننده‌های باروری از نظر او شامل تقاضا برای کودکان، تولید بالقوه کودکان و هزینه تنظیمات باروری است (Easterlin, 1975: 54-55). کالدول نیز با مطرح کردن نظریه «جریان ثروت» تأثیر آن را در کاهش باروری در کشورهای جهان سوم و غربی بررسی کرده است. او بیان کرده است باروری بالا برای بیشتر خانوارها در طول تاریخ از نظر اقتصادی سودمند بوده و جریان ثروت را به همراه داشته است؛ این در حالی است که فرزندان در جوامع جدید جریان ثروت را به سمت خودشان برعکس کرده‌اند (Caldwell, 1982: 169).

عوامل اجتماعی - فرهنگی سایر عوامل اثرگذار بر باروری را تشکیل می‌دهند. مذهب قطعاً متغیر تبیینی مهمی در باروری است. ایدئولوژی‌های مذهبی، نظامی از ارزش‌ها و هنجارها را در زمینه ازدواج، بعد خانوار، نقش‌های جنسیتی، کنترل موالید، سقط جنین و ... به وجود می‌آورند که بر ترجیحات فرزندآوری و انتخاب وسایل

^۱ TFR: این شاخص از حاصل جمع میزان‌های باروری برای زنان ۱۵ تا ۴۹ سال به دست می‌آید.

پیشگیری از حاملگی تأثیر می‌گذارند (حسینی، ۱۳۹۲: ۱۴۰).

در زمینه رابطه قومیت و باروری مطالعات و پژوهش‌های زیادی در کشورهای مختلف انجام شده‌اند که تفاوت سطح، الگو و روند باروری گروه‌های قومی را نشان می‌دهند؛ بنابراین، تفاوت‌های قومی باروری در طول زمان و در همه‌جا ثابت و یکسان نیست؛ زیرا قومیت پدیده‌ای پیچیده و چندلایه است (عباسی شوازی و صادقی، ۱۳۸۵: ۳۰-۳۱). همچنین زمان‌بندی و شروع گذار جمعیتی در هر جامعه از نظام جنسیتی در آن جامعه تأثیر می‌گیرد. نظام جنسیتی در هر جامعه مجموعه‌ای از عقاید و هنجارها، سنت‌ها و محدودیت‌هاست که از طریق آنها معنای زن و مرد بودن و حقوق و تعهدات مردان و زنان در سنین مختلف و در موقعیت‌های اجتماعی مختلف تعریف می‌شود. به همین واسطه نظام جنسیتی تأثیر زیادی بر باروری دارد (افشاری، ۱۳۹۴: ۲۴۶). به علاوه در بسیاری جوامع تأکید بر داشتن پسر به دلایل اقتصادی، اجتماعی و مذهبی آشکار است. ترجیح فرزند پسر سبب ایجاد این فرضیه شده است که تقاضا برای حداقل تعداد پسر بر رفتار باروری تأثیر می‌گذارد (حسینی، ۱۳۹۲: ۱۱۷).

سنجش میانگین اندازه ایده آل خانواده به متمایز کردن جوامع و گروه‌ها با هنجارهای خانواده بزرگ و خانواده کوچک کمک می‌کند (لوکاس و میر، ۱۳۹۳: ۸۸). همچنین به نظر می‌رسد تحصیلات مردان و زنان بر رفتار باروری افراد تأثیر دارد (لوکاس و میر، ۱۳۹۳: ۹۹-۹۸). علاوه بر این داده‌های سرشماری نقاط مختلف جهان نشان می‌دهند عموماً میزان باروری میان نقاط شهری و روستایی و نقاط شهری بزرگ و کوچک متفاوت است (لوکاس و میر، ۱۳۹۳: ۱۰۰)؛ درنهایت، عامل فرهنگی دیگر مرتبط با باروری، سن ازدواج است (لوکاس و میر، ۱۳۹۳: ۱۱۱).

از جمله نظریه‌هایی که تبیین جامعی از رفتار باروری ارائه می‌دهند، نظریه اشاعه است. طرفداران این دیدگاه استدلال می‌کنند که کاهش باروری ناشی از اشاعه ایده‌های جدید و آگاهی از تنظیمات باروری است نه تغییرات در عوامل

اقتصادی - اجتماعی یا نهادهای اجتماعی (حسینی، ۱۳۹۲: ۱۳۴).

ب) پیشینه تجربی

پژوهش‌های داخلی و خارجی متعددی درباره تأثیر عوامل اقتصادی - اجتماعی بر باروری انجام شده‌اند. با وجود این، در این قسمت به پژوهش‌های مرتبط با سؤالات فرعی پژوهش اشاره می‌شود:

درباره تعداد مطلوب فرزندان، مشتق و غریب عشقی (۱۳۹۱) نشان داده‌اند ۲۵ درصد از زنان مطالعه‌شده داشتن ۱ فرزند، ۶۶ درصد داشتن ۲ فرزند و حدود ۹ درصد داشتن بیش از ۲ فرزند را مطلوب دانسته‌اند. درباره ترجیح جنسی فرزندان نیز در گذشته در کشورهایی همچون هندوستان فرزند پسر به دختر برتری داشته است (Das, 1987: 517)؛ اما مهم‌ترین پژوهش در زمینه ترجیحات جنسی در ایران را منصوریان و خوشنویس (۱۳۸۵) انجام داده‌اند که نشان می‌دهد میان جمعیت نمونه ترجیح دختر بر پسر بیش از ترجیح پسر بر دختر و ترکیب هر دو جنس است؛ ولی این نتایج معنی‌دار نیستند و قابلیت اطلاق به جمعیت پژوهش را ندارند.

همچنین پژوهش‌های متعددی اهمیت دین را به‌منزله عامل اثرگذار بر باروری نشان داده‌اند. برای مثال جانسن و هاسر^۱ (1981) نشان داده‌اند فعالیت و وابستگی دینی اهمیت تعیین‌کننده‌ای در باروری و الگوهای تشکیل خانواده دارد. همچنین نتایج پژوهش ادسر^۲ (2006) نشان داده‌اند در سال ۱۹۸۵ اندازه خانواده برای کاتولیک‌هایی که فعالانه در فعالیت‌های مذهبی شرکت می‌کردند و کسانی که شرکت فعالانه نداشتند، یکی بوده است. در سال ۱۹۹۹ سائز خانواده در دومی پایین‌تر است و با سائز خانواده افراد بدون وابستگی مذهبی، مقایسه‌شدنی است. به‌علاوه گروه‌های کوچک مسلمان و پروتستان باروری بالاتری نسبت به کاتولیک‌ها داشتند. راد و ثوابی (۱۳۹۴) و کلاتتری و همکاران (۱۳۸۵)

¹ Janssen & Hauser

² Adsera

نیز در ایران اهمیت باورهای دینی را در افزایش گرایش به باروری نشان داده‌اند.

پژوهش‌های دیگر تأثیر تحصیلات را بر کاهش فرزندآوری نشان می‌دهند. برای مثال شیرینی و بیداریان (۱۳۸۸)، پتروسکی و تانگ^۱ (۲۰۱۶)، سالازار و ریکوئنا^۲ (۲۰۱۴) و کلاتری و همکاران (۱۳۸۵) به تأثیر افزایش تحصیلات زنان بر کاهش میزان باروری تأکید کرده‌اند. با وجود این، عباسی شوازی و همکاران (۱۳۸۱) نشان داده‌اند اکنون تفاوتی جالب توجهی در رفتار و نگرش زنان بی‌سواد و باسواد درباره باروری وجود ندارد. مشتق و غریب عشقی (۱۳۹۱) نیز بر تفاوت نداشتن ارزش فرزندآوری برای هر دو گروه زنان شاغل و غیرشاغل تأکید کرده‌اند.

فردگرایی متغیر تأثیرگذار دیگر بر رفتار و نگرش باروری است. رستگارخالد و همکاران (۱۳۹۶) و محمدی و صیفوری (۱۳۹۵) نشان داده‌اند هرچه زنان فردگراتر باشند، به کنترل باروری گرایش بیشتری دارند و هرچه جمع‌گراتر باشند، گرایش به باروری در آنها افزایش می‌یابد. پژوهش افشاری (۱۳۹۴) نیز پژوهش رستگارخالد را تکمیل و بیان می‌کند که در ایران انتقال باروری بالا به باوری زیر سطح جایگزین با برابری سریع در نهادهای فردگرا (مانند آموزش) ولی برابری کمتر در نهادهای دیگرگرا یعنی مشارکت در بازار کار، همراه بوده است. در همین راستا پژوهش‌هایی نیز بر اهمیت تأثیر استقلال بیشتر زنان در کاهش باروری تأکید داشته‌اند. برای مثال کاوه‌فیروز و کرمی (۱۳۹۴) و شیرینی و بیداریان (۱۳۸۸) نشان داده‌اند استقلال فکری زنان و نگرش آنها به نابرابری جنسیتی در کاهش میزان باروری اثرگذار است.

همان‌طور که گفته شد، ازجمله عوامل مهم دیگر اثرگذار بر رفتار و نگرش باروری زنان، وضعیت اقتصادی خانواده و جامعه است. نیازی و همکاران (۱۳۹۵) با مقایسه نتایج حاصل از فراتحلیل نظریه‌های تبیین‌کننده تغییرات رفتار باروری نشان

می‌دهند نظریه اجتماعی - اقتصادی باروری بیش از سایر نظریه‌ها روند تحولات رفتار باروری خانواده‌های ایرانی را در دهه اخیر تبیین می‌کند. همچنین دلیری (۱۳۹۷) نشان داده است متغیرهای اقتصادی و به‌ویژه شاخص‌های بازار کار به دلیل اثرات مهمی که بر هزینه فرصت افراد و درآمد انتظاری آنان در آینده دارند، نقش مهمی در تعیین میزان باروری داشته‌اند؛ به‌گونه‌ای که افزایش درآمدهای انتظاری از شغل برای مردان در قالب کاهش ریسک از دست دادن شغل یا افزایش درآمد انتظاری در آینده (افزایش میزان اشتغال مردان)، سبب بهبود میزان باروری در استان‌های ایران شده است. ازسوی دیگر، تأثیر متغیرهای بازار کار برای زنان در قالب کاهش ریسک از دست دادن شغل سبب افزایش میزان باروری شده است. همچنین کاهش هزینه فرصت باروری برای زنان و بهبود توزیع درآمد برای آنان سبب بهبود باروری در استان‌های ایران شده است. در تأیید این پژوهش هزارجریبی و عباسپور (۱۳۸۹) و کلاتری و همکاران (۱۳۸۵) نیز بر رابطه معکوس میزان باروری و سطح درآمد اشاره کرده‌اند. در کنار اهمیت اقتصاد خرد و کلان در رفتار باروری، محمدی و صیفوری (۱۳۹۵) نشان داده‌اند ازجمله متغیرهای دیگر دارای همبستگی با باروری، نگرش منفی پاسخگویان به آینده جامعه است.

در پژوهش‌های مختلف به تأثیر هنجارهای اجتماعی بر باروری نیز توجه شده است. برای مثال کلاتری و همکاران (۱۳۸۵) تأثیرگذاری خانواده مبدأ^۳ زوجین (نفوذ بر زوجین و تشویق آنها به فرزندآوری) بر میزان باروری آنها را نشان داده‌اند. در همین راستا محمودیان و همکاران (۱۳۸۸) نشان داده‌اند در سقز کم فرزندآوری به‌منزله کنش اجتماعی معنادار و نوعی گفتمان بر جامعه مسلط شده است و رفتار باروری افراد را شکل می‌دهد.

درنهایت، دراهکی (۱۳۹۴) نشان می‌دهد نیاز عاطفی به فرزند در سنین بالاتر بیشترین تأثیر را بر باروری زنان

^۳ خانواده مبدأ خانواده والدینی زوجین است که قبل از ازدواج در آن زندگی می‌کردند؛ یعنی خانواده‌ای که فرد در آن به دنیا آمده و جامعه‌پذیر شده است.

^۱ Piotrowski & Tong

^۲ Salazar & Requena

مطالعه شده دارد.

تاکنون تنها یک پژوهش به روش پدیدارشناسی در این حوزه و آن هم درباره ناباروری انجام شده است: تجویدی و دهقان نیری (۱۳۹۵) که نتایج پژوهش آنها بیان‌کننده درون‌مایه اصلی به نام معنویت‌گرایی در بارداری است. همچنین این نتایج نشان‌دهنده ۷ درون‌مایه فرعی مذهب‌گرایی در بارداری، معناگرایی در بارداری، حساس شدن در بارداری، کنترل رفتار به سمت معنویت‌گرایی، بارداری به منزله تغییر، سایه معنویت‌گرایی بر جنین و تأثیر معنویت‌گرایی بر اطرافیان است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به دنبال بررسی آگاهی و تجربه زنان متأهل از مسئله فرزندآوری است؛ اینکه آنها چه تصویری درباره فرزندآوری دارند و در رویارویی با این مسئله چه واکنش‌هایی نشان می‌دهند. از آنجا که بهترین روش برای بررسی آگاهی و تجربه زیسته روش پدیدارشناسی است، پژوهش حاضر با این روش انجام شده است. به بیانی بسیار ساده و کوتاه، پدیدارشناسی همزمان فلسفه و روشی است که ماهیت یا ذات (واحدهای بنیادی در فهم هر پدیده) پدیده‌ها را بررسی می‌کند (محمدپور، ۱۳۹۰: ۲۶۱/۱)؛ درواقع، پدیدارشناسی مطالعه ظاهر یا نمود به همان شکل است که هست. ظاهر یا نمود به معنای هر چیزی است که در آگاهی وجود دارد؛ هر چیزی که شناخته می‌شود صرف نظر از اینکه واقعیت یا توهم است (Avi, 2009: 1)؛ درواقع، هر بررسی پدیدارشناسانه شامل استفاده از توضیحات عمیق و تحلیل‌های دقیق از تجربه زیسته برای درک چگونگی معنای ایجادشده از طریق ادراک مجسم و کشف ذات پدیده‌هاست (Starks & Brown Trinidad, 2007: 1373).

پژوهش حاضر به روش موستاکس انجام شده و شامل مراحل زیر است (بودلایی، ۱۳۹۵: ۳۴):

در اولین مرحله بیان مسئله و سؤال پژوهش تدوین شده است؛ سپس مفروضات فلسفی و پدیدارشناختی گردآوری

شده‌اند. سؤال پژوهش چنین است: ذهنیت مشترک مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر از فرزندآوری چیست و چه تجربه زیسته‌ای از رویارویی با مسئله فرزندآوری دارند؟ نمونه‌گیری دومین مرحله از پژوهش پدیدارشناسی است. در این مرحله پژوهشگر تعداد ۱۱ زن متأهل را بررسی کرده است که در سن باروری (۴۰-۱۵)^۱ قرار دارند. نمونه‌گیری به شیوه هدفمند و در دسترس بوده و تلاش شده است افرادی برای نمونه‌گیری انتخاب شوند که توانایی گفتگو و فرصت کافی برای گفتگو داشته باشند. هدف پژوهش‌های کیفی، ارائه نمونه معرف نیست؛ بنابراین، نمونه‌ها با توجه به اهداف پژوهش انتخاب می‌شوند. حجم نمونه مانند بیشتر روش‌های کیفی تابع قاعده اشباع است (Patton, 2002: 213). در این پژوهش پژوهشگر با مصاحبه با ۱۱ زن متأهل به اشباع رسیده است؛ یعنی اطلاعات بیشتری از مصاحبه‌های بیشتر به دست نمی‌آمد. همچنین نمونه‌های پژوهش در دو شهر تهران و مشهد زندگی می‌کردند و دلیل انتخاب این دو شهر هم دسترسی بیشتر پژوهشگر و هم انتخاب دو شهر به منزله نمونه‌ای از کلان‌شهرهایی بود که مظاهر توسعه‌یافتگی و تأثیر آن بر فرزندآوری در آنها بیشتر مشاهده می‌شود.

در سومین مرحله پژوهشگر اطلاعات پژوهش را با استفاده از روش مصاحبه عمیق جمع‌آوری کرده است. سیدمن^۲ (1991) برای بررسی پدیدارشناسانه، مصاحبه ساختاریافته را پیشنهاد می‌دهد که فرایندی سه مرحله‌ای دارد و با سؤال از زمینه‌ای آغاز می‌کند که تجربه مصاحبه‌شونده در آن قرار دارد که در این پژوهش شرایط خانوادگی و دلایل و موانع فرزندآوری است. همچنین این مصاحبه به کمک ساخت تجربه و بازتاب معنای فرد از آن تجربه ادامه می‌یابد که این مرحله در پژوهش حاضر شامل بررسی معنای فرزندآوری، تجربه بارداری و فرزندداشتن است (in:

^۱ سن باروری ۴۹-۱۵ سال است؛ اما با بررسی‌های بیشتر سن ۴۰ سال به منزله سنی انتخاب شد که بعد از آن باروری به حداقل خود می‌رسد.

^۲ Seidman

گزارش شده‌اند^۱. همچنین باید توجه داشت هر کدام از این واحدهای معنایی مشترک سازنده ذات پدیده‌اند. ذات پدیده نیز به معنای پدیدار اجتماعی یا همان میان‌ذهنیت مشترک زنان مطالعه‌شده درباره فرزندآوری است.

یافته‌ها

همان‌طور که ذکر شد در پژوهش حاضر با تعداد ۱۱ زن متأهل با ویژگی‌های اجتماعی متفاوت، مصاحبه‌های عمیق و به روش پدیدارشناسی انجام شده است. از میان این ۱۱ زن، ۷ نفر شاغل و ۴ نفر خانه دار بودند. ۲ نفر تحصیلات دیپلم، ۳ نفر تحصیلات کارشناسی، ۴ نفر تحصیلات کارشناس ارشد و ۲ نفر تحصیلات دکتری داشتند. ۶ مشارکت‌کننده فرزند داشتند و ۵ نفر دیگر فرزند نداشتند. از میان ۶ مشارکت‌کننده دارای فرزند، پنج نفر ۱ فرزند و یک نفر ۲ فرزند داشتند. مدت زمان ازدواج ۴ زن بین ۵-۰ سال، ۶ زن بین ۱۵-۵ سال و یک زن بیشتر از ۱۵ سال بود. علاوه بر این ۳ مشارکت‌کننده به طبقه بالا، ۳ مشارکت‌کننده به طبقه پایین و ۵ مشارکت‌کننده به طبقه متوسط تعلق داشتند.

در ادامه تم‌های مرکزی، خوشه‌ها و واحدهای معنایی به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها بیان می‌شوند:

۱- **معنای فرزندآوری** اولین تم مرکزی استخراج شده از مصاحبه‌هاست. این تم معنا و مفهوم ذهنی مشارکت‌کنندگان از فرزندآوری را بررسی کرده و شامل خوشه‌های فواید و مضرات فرزندآوری است.

واحدهای معنایی مربوط به فواید فرزندآوری عبارت‌اند از: تکمیل‌کنندگی زن (منفرد)، از خود گذشتگی (مشترک)، خودشناسی (منفرد)، رشد زندگی مشترک (مشترک)،

(Wimpenny & Grass, 2000: 1478). در این بررسی محورهای

کلی پرسیده‌شده از مشارکت‌کنندگان، شامل موارد زیرند:
 معنا و تجربه (در صورت نداشتن فرزند تجربه نزدیک به بارداری بررسی شده است) مشارکت‌کننده از فرزندآوری چیست؟ در صورت تمایل فرد به فرزندآوری دلایل او چیست؟ تعداد فرزندان واقعی فرد چند عدد است؟ تعداد فرزندان ایده‌آل از نظر فرد چند عدد است و چرا این تعداد برای او ایده‌آل است؟ آیا تفاوتی میان تعداد فرزندان واقعی و ایده‌آل فرد وجود دارد یا خیر و اگر وجود دارد، دلیل آن چیست؟ موانع فرد برای فرزندآوری در حد ایده‌آل چیست؟ ترجیح فرد داشتن فرزند پسر است یا دختر و دلایل این ترجیح چیست؟ نگرانی‌های فرد درباره فرزندآوری چیست؟ تعداد فرزندان خانواده مبدأ فرد چند نفر است و آیا این امر در تعداد فرزندان ایده‌آل فرد اثر گذاشته است یا خیر و اگر گذاشته است، دلیل آن چیست؟

پژوهشگر تلاش کرده است در خلال محورهای کلی مصاحبه سؤالات جزئی‌تری را مطرح و آگاهی ذهنی مشارکت‌کنندگان را واکاوی کند. مصاحبه با هر فرد به‌طور متوسط یک ساعت طول کشیده است. همچنین در این مرحله و همه مراحل پژوهش پژوهشگر تلاش کرده است باورهای خود درباره فرزندآوری را در پراکنش قرار دهد تا به خوبی به جهان ذهنی مشارکت‌کنندگان راه پیدا کند و آن را بشناسد.

در آخرین مرحله پژوهشگر داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها را تجزیه و تحلیل و گزاره‌های معنی‌دار و مهم یا واحدهای معنایی، خوشه‌ها و تم‌ها را از گزاره‌ها استخراج کرده است (Hycner, 1985: 282-291). منظور از واحدهای معنایی عباراتی است که مفهومی واحد را می‌رسانند. منظور از تم‌ها نیز مفاهیمی است که می‌توان مجموعه‌ای از واحدهای معنایی را ذیل آنها قرار داد. خوشه‌ها نیز دسته‌بندی‌های فرعی درون تم‌ها هستند. در ارائه نتایج هم واحدهای معنایی مشترک و هم واحدهای معنایی منفرد که زیر تم مشترک قرار می‌گیرند،

^۱ منظور از واحد معنایی منفرد واحد معنایی است که تنها یک مشارکت‌کننده بیان کرده است و منظور از واحد معنایی مشترک واحدی است که بیش از یک نفر بیان کرده‌اند. در روش پدیدارشناسی هر دو واحدهای منفرد و مشترک اهمیت دارند؛ ولی تأکید بر واحدهای معنایی مشترک به‌منزله امری است که میان‌ذهنیت افراد و پدیدار اجتماعی را بیان می‌کند.

روشن تر شدن وضعیت زنان مشارکت کننده ذکر شده است. تعداد فرزندان ایده آل، واقعی و موجود برای هر مشارکت کننده در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱- تعداد فرزندان ایده آل و واقع گرایانه مشارکت کنندگان

مشارکت کنندگان	تعداد فرزندان موجود	تعداد فرزندان ایده آل	تعداد فرزندان معقول
۱	۰	۳	۰
۲	۱	۱	۱
۳	۱	۳	۲
۴	۰	۵	۳
۵	۰	۲	۱
۶	۰	۲	۲
۷	۱	۴	۲
۸	۰	۲	۰
۹	۱	۲	۱
۱۰	۱	۴	۲
۱۱	۲	۲	۲

همان طور که در جدول ملاحظه می شود، تفاوت روشنی میان فرزندان معقول و ایده آل در برخی موارد وجود دارد و این مساعدن نبودن برخی شرایط برای فرزندآوری ایده آل را نشان می دهد؛ به طوری که زوجها ترجیح می دهند فرزندان کمتری از آنچه ایده آل می دانند، داشته باشند.

۳- ترجیح جنسی فرزند سومین تم مرکزی است که به ترجیح دختر یا پسر میان مشارکت کنندگان اشاره دارد. هفت مشارکت کننده دختر داشتن را به پسر داشتن ترجیح دادند. دلایل این ترجیح نوع پوشش دختران، همجنس بودن با فرزند اول، دلپذیری دختران، سختی پسر داشتن، آرامش ذاتی دختران و حمایتگری دختران از خانواده است. دو مشارکت کننده نیز داشتن پسر را به داشتن دختر ترجیح دادند. دلایل این ترجیح تعامل آسان تر با پسران، نوع پوشش پسران و علاقه به پسر داشتن بوده است. مشارکت کننده ای داشتن هر دو جنس را ترجیح داده و دلیل این ترجیح را

حیات بخشی (منفرد)، رفع نیازهای عاطفی و رفع میل به فرزندآوری (مشترک). برای مثال مشارکت کننده ای درباره تکمیل کنندگی زن اظهار داشته است:

«خب به نظرم بچه آوردن به چیزیه که کامل کننده است. برای یک زن بچه داشتن کامل کننده است. اینکه شخصیتشو کامل می کنه به سری خصایص فردی هست مثل از خود گذشتگی، مثل محبت سرشار اون موقع به وجود می یاد...» (۳۳ساله، کارشناسی ارشد، شاغل، بدون فرزند).

مشارکت کننده دیگری درباره حیات بخشی فرزندآوری می گوید:

«همین طور خیلی شاعرانه است که تو می تونی به یه کسی حیات بدی و اینکه اون مثل تو زندگی رو تجربه کنه خیلی جالبه...» (۳۵ساله، کارشناسی، خانه دار، بدون فرزند).

مصاحبه شونده دیگری درباره رشد زندگی مشترک به واسطه فرزندآوری می گوید:

«ازدوادم همینه نمی تونی تو به مرحله متوقفش کنی و رشد می کنه. حالا این رشد به این معنی هست که تو می خوای یه نفر دیگه رو مراقبت کنی و حالا مهم نیست بچه من باشه یا یه نفر دیگه...» (۳۱ساله، کارشناسی ارشد، شاغل، بدون فرزند).

واحد معنایی مربوط به مضرات فرزندآوری، خودخواهی^۱ (منفرد) است. مشارکت کننده ای در این زمینه می گوید:

«فکر می کنم کفه ترازو به سمت خودخواهی ما می چربه. دقیقاً تو داری به خاطر خودت بچه میاری جز این چیه؟» (۳۱ساله، کارشناسی ارشد، شاغل، بدون فرزند).

۲- تعداد فرزندان ایده آل و تعداد فرزندان معقول

دومین تم مرکزی استخراج شده است. مقصود از تعداد فرزندان ایده آل، تعداد فرزندان است که هر زن در شرایط ایده آل مایل به داشتن آنهاست و مقصود از تعداد فرزندان معقول، تعداد فرزندان است که هر زن در شرایط کنونی می خواهد داشته باشد. منظور از تعداد فرزندان موجود نیز تعداد فرزندان است که در حال حاضر افراد دارند و برای

^۱ منظور از خودخواهی فرزندآوری به منزله عملی برای رضایت خاطر والدین و نه به نفع فرزند است؛ زیرا به باور مشارکت کننده جهان جایی برای رنج بردن انسان هاست.

برادری برای بچه‌ها، تنها نبودن فرزند اول، مضرات تک‌فرزندی برای تربیت کودک، وجود سازگاری اجتماعی در چندفرزندی و تجربه رابطه خوب خواهران و برادران است.

مشارکت‌کننده‌ای در مضرات تک‌فرزندی می‌گوید:

«بین شما در تک‌فرزندی بچه رو پرورش نمی‌دی، فقط یکی رو از نظرهای مختلف می‌پرورنی. مثلاً از نظر اقتصادی و فرهنگی پرورش می‌دی. بین نتایج نشون می‌ده که تک‌فرزنداها موفق نیستن با اینکه همه پول خانواده به اون می‌رسه اون می‌ره تحصیل می‌کنه ماشین مدل بالا می‌خره؛ ولی از لحاظ معنوی این بچه پر نشده و به چیزی کم داره ...» (۳۵ساله، کارشناسی‌ارشد، شاغل، بدون فرزند).

خوشه تصادف شامل واحد معنایی بارداری ناخواسته است.

خوشه محدودیت‌های سنی برای بارداری نیز شامل دو واحد معنایی بالابودن سن و داشتن حوصله در سن کنونی است. مشارکت‌کننده‌ای می‌گوید:

«من می‌گم بچه از پدر مادر حوصله بازی می‌خواد و تو باید شرایط اینو داشته باشی. بچه در وهله اول اینو می‌خواد و تو دوران مدرسه بچه باید کشش داشته باشی. اگر بچه دو به اضافه دو رو نتونست بنویسه زنی تو دهنش و این واقعاً مهمه و این ربطی به شرایط پولی نداره ...» (۳۵ساله، کارشناسی‌ارشد، شاغل، بدون فرزند).

خوشه حمایت خانواده شامل دو واحد معنایی همکاری شوهر به دلیل شرایط شغلی و همکاری خانواده مبدأ در نگهداری فرزند است. مشارکت‌کننده‌ای در این رابطه اظهار داشته است:

«کار من که خیلی بده چون رفت و آمد می‌کنم به شهر دیگه؛ ولی بازم به نظرم اشکالی نداره چون شوهرم شغلش آزاده. بعدشم پدر و مادرم مسئولیت نگهداری بچه رو و تا یه سنی که مه‌د بره قبول می‌کنن ...» (۳۵ساله، کارشناسی‌ارشد، شاغل، بدون فرزند).

خوشه کارکردهای فرزندآوری شامل رشد توانمندی فردی، احساس شادی، رضای علاقه به زندگی با خانواده، رضای میل به پرجمعیت بودن، هدفمندشدن زندگی و افزایش احساس رضایت در میانسالی است. مصاحبه‌شونده‌ای درباره افزایش احساس رضایت در میانسالی با فرزندآوری می‌گوید:

«من قبلاً می‌گفتم بچه چیه و بعد دیدم اگر بچه نیارم در

تجربه هر دو جنس ذکر کرده است. برای یک مشارکت‌کننده نیز داشتن دختر یا پسر فرقی نداشته و هیچ ترجیح جنسی نداشته است.

۴- دلایل فرزندآوری چهارمین تم مرکزی است. این تم مرکزی به دلایلی اشاره دارد که مشارکت‌کنندگان برای آنها فرزند آورده‌اند یا میل اند فرزند به دنیا بیاورند. این تم شامل خوشه‌های باورهای دینی (مشترک)، بهبود رابطه با همسر (مشترک)، میل به مادری (مشترک)، نفعی تک‌فرزندی (مشترک)، تصادف (منفرد)، محدودیت‌های سنی برای بارداری (منفرد)، کارکردهای فرزندآوری (مشترک)، حمایت خانواده (منفرد)، امید به آینده (منفرد)، نگاه واقع‌گرایانه به فرزندآوری (منفرد)، فشار اجتماعی (منفرد) و تجربه مثبت دوستان (منفرد) است.

خوشه باورهای دینی شامل توکل به خدا در برابر شرایط اجتماعی، روزی رسان بودن خداوند و فرزندآوری، تجلی امید خدا به بشر است. برای مثال مشارکت‌کننده‌ای در زمینه واحد معنایی فرزندآوری، تجلی امید خدا به بشر می‌گوید:

«بین من به شوهرم بارها گفتم با اینکه عصر مدرن هست من به شعری هست از جبران خلیل جبران که آخرش این بود که خدا با آوردن هر بچه به انسان امیدواره و من خیلی به این باور دارم ...» (۳۵ساله، کارشناسی‌ارشد، شاغل، بدون فرزند).

خوشه بهبود رابطه با همسر شامل نزدیکی به همسر، هدفمندشدن رابطه و استحکام رابطه است. برای مثال مصاحبه‌شونده‌ای درباره نزدیکی به هسر اظهار داشته است:

«یه مرحله‌ای می‌رسه که زن و شوهر چیزی ندارن به هم بگن و بچه این دو تا رو بهم وصل می‌کنه. مثلاً بچه می‌گه بابا بریم این کارو بکنیم اون کارو بکنیم؛ یعنی بچه یه جور درگیرت می‌کنه؛ ولی اگر اون نبود با هم حرف نمی‌زدید ...» (۳۸ساله، دکتری، شاغل، دارای یک فرزند).

خوشه میل به مادری شامل واحدهای معنایی میل به تجربه بارداری، علاقه زیاد به بچه‌ها، تجربه لذت مادری، شیرینی فرزند، علاقه شدید به داشتن فرزند، داشتن حس مادری، رفع نیازهای عاطفی و میل غریزی به فرزنددار شدن است.

خوشه نفعی تک‌فرزندی شامل لزوم تجربه خواهر و

(منفرد) و ازدواج زودهنگام (منفرد) است.

خوشه موانع اقتصادی شامل واحدهای معنایی مستأجری، نداشتن ماشین، نداشتن استقلال مکانی از والدین، اجبار به اشتغال به دلیل مسائل مالی، نداشتن امنیت شغلی و اقتصاد ورشکسته ایران است. برای مثال مشارکت کننده‌ای درباره اقتصاد ورشکسته ایران می‌گوید:

«من خیلی ساله کار می‌کنم از ۲۱ سالگی؛ از ۲۱ سالگی خرجم خودم می‌دم. خوب من همیشه درگیر مسائل مالی و اینکه چقدر در میاری بودم و بعد تو فکر کن تحت نوسانات بازار هستم و فکر می‌کنم اگر اون بچه بیاد تو شرایط اقتصاد ایران بدتر از منم می‌شه وضعیتش...» (۳۳ ساله، کارشناسی ارشد، شاغل، بدون فرزند).

خوشه موانع اجتماعی شامل واحدهای معنایی نداشتن امنیت اجتماعی کودکان در ایران، تلاش برای مهاجرت، زندگی در ایران، نداشتن اطمینان از آینده ایران، بی‌ثباتی اجتماعی و محدودیت‌های اجتماعی از جمله محدودیت حجاب است. مشارکت کننده‌ای درباره نداشتن اطمینان به آینده ایران اظهار داشته است:

«من بیشتر به این فکر می‌کنم که اون آینده‌ای نداره. به خصوص سر ماجراهای اعتراضات اخیر به شوهرم می‌گفتم تنها خوشحالی من اینه که بچه‌ای ندارم که نگران این باشم آینده‌اش چی می‌شه و بفروشمش خارج یا نفرستمش...» (۳۳ ساله، کارشناسی ارشد، شاغل، بدون فرزند).

همچنین مشارکت کننده‌ای درباره محدودیت‌های اجتماعی

می‌گوید:

«مثلاً با شوهرم سفر خارج می‌رم بی حجابی رو دوست دارم و با خودم فکر می‌کنم بچه که اینجاست چرا باید این محرومیت رو تجربه کنه...» (۳۳ ساله، کارشناسی ارشد، شاغل، بدون فرزند).

خوشه عوامل روانی شامل واحد معنایی ترس از بارداری و زایمان است.

خوشه اختلال در رابطه با همسر شامل قوی بودن رابطه با همسر، ترس از تخریب رابطه با همسر و توافق اولیه برای بچه‌دار نشدن است. برای مثال ترس از تخریب رابطه با همسر در عبارات زیر مشهود است:

میانسالی سطح رضایت از زندگی ام میاد پایین و دارم بهش فکر می‌کنم...» (۳۵ ساله، کارشناسی، خانه‌دار، بدون فرزند).

خوشه امید به آینده شامل احتمالات مثبت اجتماعی و ارتقای بشر است. مشارکت کننده‌ای در این زمینه می‌گوید:

«البته الان اینقدر اتفاقات بد می‌بینی افتضاحات می‌بینی؛ ولی همیشه هم اینطوری نیست. همیشه همنشین خوب هست. ممکنه دو نفر به پست آدم بخورن زندگی رو عوض کنن...» (۲۷ ساله، کارشناسی، شاغل، بدون فرزند).
«درنهایت، فکر می‌کنم تو باید تلاشتو کنی آدم بهتر از خودت بسازی. تلاشتو می‌کنی یا می‌شه یا نمی‌شه؛ اما نمی‌تونن بگی من کامل نیستم. هنوز خودمو تربیت نکردم و اگر اینطوری فکر کنی کامل نمی‌شی هیچ وقت...» (۲۷ ساله، کارشناسی، شاغل، بدون فرزند).

درنهایت، سه واحد معنایی نگاه واقع‌گرایانه به فرزندآوری، فشار اجتماعی و تجربه مثبت دوستان هر کدام به‌نهایی خوشه‌ای را تشکیل می‌دهند. در زمینه نگاه واقع‌گرایانه به فرزندآوری عباراتی از مصاحبه‌شونده‌ای جالب توجه است:

«نگاهم به بچه آوردن مثبت‌تر شده. همیشه فکر می‌کردم آدم باید خیلی از خودش بگذره تا بچه بیاره؛ ولی الان می‌بینم اینجوری هم نیست. تجربه ثابت کرده اینقدر که دیگرانو دیدم بچه اومده رفته مادر اومده رفته توی بیمارستان محل کارم که دیدم اینقدر هم سخت نیست...» (۲۷ ساله، کارشناسی، شاغل، بدون فرزند).

۵- موانع فرزندآوری، تم اشاره‌کننده به موانعی است که مانع

فرزندآوری افراد می‌شوند. این مانع هم موجب شده است ۵ مشارکت کننده تاکنون هیچ فرزندی نداشته باشند و هم مانع شده است که بسیاری مشارکت کنندگان دارای فرزند، از آوردن فرزند تا حد معقول که اظهار داشته‌اند، خودداری کنند.

موانع فرزندآوری شامل خوشه‌های موانع اقتصادی (مشترک)، موانع اجتماعی (مشترک)، عوامل روانی (مشترک)، اختلال در رابطه با همسر (منفرد)، میل به پیشرفت (مشترک)، وجود نداشتن توانمندی فردی (منفرد)، ایده‌آل‌های فرزندپروری (مشترک)، دلایل معرفتی (مشترک)، تجربه شبه مادری (منفرد)، امکانات پزشکی برای بارداری (منفرد)، تمایل نداشتن شوهر

مشارکت‌کننده شده است.

خوشه تجربه شبه مادری شامل ارضای حس مادری با نگهداری از حیوانات است. عبارات یکی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه جالب توجه است:

«بین من یک دوره‌ای خیلی خیلی دوست داشتم بچه بیارم. بعد وقتی گربه گرفتم واقعاً اون حسم ارضا شد و دیگه ضرورتی احساس نمی‌کردم برای بچه‌آوردن ...» (۳۱ساله، کارشناسی ارشد، شاغل، بدون فرزند).

واحد‌های معنایی امکانات پزشکی برای باروری در میان‌سالی، بی‌میلی شوهر و ازدواج زود هنگام یک خوشه را تشکیل می‌دهند. برای مثال مشارکت‌کننده درباره تأثیر ازدواج زود هنگام بر فرزندداشتن می‌گوید:

«بعد آدم می‌گه چون زود ازدواج کردم و تصمیم مهمی گرفتم اما نمی‌خوام تصمیم دوم یا بچه‌دار شدنم به این زودی بگیرم ...» (۲۷ساله، کارشناسی، شاغل، بدون فرزند).

مشارکت‌کننده‌ای دیگر درباره امکانات پزشکی برای بارداری در میان‌سالی می‌گوید:

«یه چیزی اینکه من به مسائل پزشکی خیلی امید دارم با اینکه می‌دونم سنم داره بالا می‌ره می‌گم علم داره پیشرفت می‌کنه و برای امکان بارداری تو سن بالا یه کاری می‌کنه ...» (۳۱ساله، کارشناسی ارشد، شاغل، بدون فرزند).

۶- تم مرکزی بعدی موانع فرزندآوری بیش از حد

معقول است. این تم به این نکته اشاره دارد که چرا افراد بیشتر از تعداد معقول فرزند نمی‌خواهند. این موانع شامل موانع اقتصادی (مشترک)، موانع اجتماعی (مشترک)، حمایت‌نکردن خانواده (مشترک)، تجربه زیسته خانواده‌های پرجمعیت (مشترک)، ترس از زایمان و بارداری (مشترک)، میل به پیشرفت (مشترک)، اهمیت کیفیت فرزند (مشترک)، مشکلات فرزند (مشترک)، محدودیت‌های فردی (مشترک)، تنش با همسر (منفرد)، سختی کشیدن بچه‌ها به دلیل اشتغال مادر (منفرد) و بی‌علاقگی به افزایش جمعیت (منفرد) است.

موانع اقتصادی شامل واحد‌های معنایی همچون مسائل اقتصادی، خانه کوچک و نبود پرستار است.

موانع اجتماعی شامل نداشتن اطمینان به آینده ایران، شرایط اجتماعی ایران، ناکارآمدی سیستم آموزشی و

«من با خودم می‌گم ما می‌تونیم نفر سوم رو قبول کنیم؟ اصلاً تصورم برام سخته. خب رابطه ما چجوری می‌شه. خب شوهرم به‌عنوان یه پدر برام اونقدرها پذیرفته‌شده نیست. شوهرم الان رفیقمه ولی به‌عنوان پدر تصور نمی‌کنم. خودمو تصور می‌کنم که بچه داشته باشم ولی شوهرمو نه. مثلاً نمیدونم بچه داشته باشیم چه شکلی می‌شیم و آدم از دورشدنش می‌ترسه و جاش تعریف نشده ...» (۳۳ساله، کارشناسی ارشد، شاغل، بدون فرزند).

خوشه میل به پیشرفت شامل واحد‌های معنایی اشتغال، تحصیل، فعالیت شخصی زیاد و فردگرایی است. خوشه نداشتن توانمندی فردی شامل واحد‌های معنایی سختی مسئولیت فرزند، نداشتن آمادگی روانی و ناتوانی از تربیت فرزند است.

خوشه ایده‌آل‌های فرزندپروری شامل تمایل به نگهداری تمام‌وقت از فرزند، تعصب نسبت به فرزند، تصویر از مادر ایده‌آل، بی‌اعتمادی به تربیت مادر بزرگ و احساس گناه برای فرزندآوری در ایران است. برای مثال واحد معنایی تصویر از مادر ایده‌آل در عبارات زیر بیان شده است:

«مثلاً دیدم تو محل کارم خانم داره با من حرف می‌زنه جواب بچه رو نمی‌ده و به بچه محل نمی‌ده به هر دلیلی. چند بار شده خواستم بگم ببین بچت چی می‌گه و اینا برای من ترسناکه و تصور اینکه بشم همچین مامانی برام ترسناکه و برای همینم وسواس دارم و به خودم می‌گم من سه سال دارم روانکاو می‌شم و باید چند سال دیگه باید روانکاو بشم تا مادر خوبی بشم؟» (۳۱ساله، کارشناسی ارشد، شاغل، بدون فرزند).

خوشه دلایل معرفتی شامل واحد‌های معنایی تجربه زندگی سخت، پرسش فرزند از دلیل وجود و احساس پیری با فرزندآوری است. برای مثال مشارکت‌کننده‌ای درباره پرسش فرزند از دلیل وجود می‌گوید:

«من سر به ماجرای که عصبانی بودم به پدرم گفتم برای چی منو به دنیا آوردی؟ من راحت‌تر بودم این شرایطو تجربه نمی‌کردم. حالا اون بچه ممکنه این سؤالو از من صریح بکنه و من جوابی براش ندارم ...» (۳۳ساله، کارشناسی ارشد، شاغل، بدون فرزند).

خوشه الگوهای فرزندآوری اطرافیان شامل واحد معنایی تأثیرپذیری از خواهر است؛ یعنی از آنجا که خواهر مدت طولانی است که فرزند ندارد، الگویی برای نداشتن فرزند

حتی توصیه رو دوتا ست؛ ولی می گن سه تا هم خوبه ولی از بچه چهارم بچه ضربه می خوره و پدر مادر نمی تونن بیشتر از این توجهشونو تقسیم کنن و بچه ضربه می خوره...» (۳۵ساله، کارشناسی، خانه دار، بدون فرزند).

همچنین خوشه مشکلات فرزند شامل سختی فرزند زیاد، پرتوقع بودن فرزندان و مسئولیت فرزند زیاد است.

خوشه محدودیت های فردی شامل ضعف جسمی، محدودیت سنی، ناتوانی روانی، محدودیت زمانی و ناتوانی از بزرگ کردن فرزندان زیاد است. برای مثال محدودیت سنی در عبارات مشارکت کننده ای به این شکل بیان شده است:

«بعدشم سن هست مثلاً تفاوت سن من با آخرین فرزندم چقدره؟ مثلاً من دوست ندارم بچه پنجم خودم رو در ۵۰سالگی به دنیا بیارم. مثلاً من نمی خوام بچم ده سالش بشه من ۶۰ سالم بشه و فکر کنه برای خودم آوردمش. با توجه به شرایط من فکر می کنم همون ۳ تا خوب باشه...» (۳۵ساله، کارشناسی ارشد، شاغل، بدون فرزند).

خوشه تنش با همسر شامل دو واحد معنایی اختلاف در زندگی زناشویی و اختلاف نظر با همسر درباره تربیت فرزند است. برای مثال مصاحبه شونده ای درباره اختلاف با همسر درباره تربیت فرزند می گوید:

«توافقی وجود نداره از نظر تربیتی که بچه دوم رو بیارم. اصلاً نظراتمون تو تربیت کردن بچه متفاوته. مثلاً من می گم باید به بچه یه چیزایی رو یاد بدی اون می گه فقط عاطفه اون نمی گه بچه بزرگ می شه سختی های زندگی رو باید یاد بگیره بعداً تو جامعه با سختی مواجه می شه. شوهرم اینا رو یادش نمی ده این بعداً مشکل ساز می شه» (۳۱ساله، دیپلم، خانه دار، دارای یک فرزند).

یکی از مشارکت کنندگان درباره علاقه نداشتن به افزایش جمعیت^۱ اینطور می گوید:

«ولی ۶ و ۷ تا بچه دیگه خیلی زیاده. واقعاً نمی شه جمعش کرد. اصلاً من دوست ندارم این همه افزایش جمعیت بدیم که چی بشه...» (۲۷ساله، کارشناسی، شاغل، بدون فرزند).

۷- **نگرانی از فرزندآوری** عنوان تم مرکزی دیگری است که نگرانی زنان متأهل بررسی شده از فرزندآوری در آینده را بیان می کند. این تم شامل خوشه هایی همچون شرایط

ناکارآمدی سیستم تربیتی است. برای مثال یکی از مشارکت کنندگان درباره سیستم آموزشی ایران می گوید:

«من می گم اگر نظام آموزشی خوب باشه آدم ۵ تا بچه میاره چه اشکالی داره؟ ولی یکی از مشکلات اینه که من تربیت بچه ها تو جامعه ایرانی رو قبول ندارم...» (۳۵ساله، کارشناسی ارشد، شاغل، بدون فرزند).

حمایت نکردن خانواده خوشه دیگری است که شامل واحدهایی همچون نبود و ناتوانی مادر بزرگ از نگهداری فرزند و همکاری نکردن شوهر است. برای مثال یکی از مشارکت کنندگان مانع فرزندآوری زیاد خود را نبود مادرش می داند:

«بچه اولم چون توی شهری بودم که مادرم نبود و اقوام نبودن خیلی سخت بود. برای همین نمی خوام دیگه خیلی زیاد بچه بیارم...» (۳۸ساله، دکتری، شاغل، دارای یک فرزند).

تجربه زیسته منفی عنوان خوشه دیگری است که شامل مواردی همچون تجربه زیسته منفی از اطرافیان پرجمعیت و دریافت ناکافی توجه از والدین خود است. مشارکت کننده ای درباره دریافت ناکافی توجه از والدین و تأثیر آن بر فرزند نداشتن به تعداد زیاد می گوید:

«یکی از دلایلی که من بچه زیاد نمی خوام اینه که خب واقعاً ما به اندازه کافی از مامانم توجه نمی گرفتیم. از بابامم نمی گرفتیم؛ چون بابام مداوم کار می کرد بین ما به لحاظ مالی مشکلی نداشتیم اینکه بگم توزیع ثروت کم بوده نه؛ ولی بابام همیشه کار می کرد...» (۳۱ساله، کارشناسی ارشد، شاغل، بدون فرزند).

ترس از زایمان و بارداری از جمله موانع دیگر فرزندآوری های مکرر است. این خوشه شامل سختی زایمان و بارداری و ترس از آسیب جسمی بارداری است.

میل به پیشرفت از جمله دیگر خوشه های تم مرکزی موانع فرزندآوری ایده آل است که شامل ترجیح نیازهای فردی، اشتغال و تحصیل است.

اهمیت کیفیت فرزند شامل اهمیت تربیت فرزند، اهمیت رشد تحصیلی - شغلی فرزند، وسواس در مراقبت از فرزند و اهمیت تأمین عاطفی کودکان است. برای مثال مصاحبه شونده ای درباره اهمیت تأمین عاطفی کودکان می گوید:

«خب به لحاظ روان شناسی تا سه تا بچه می تونن سالم باشن

^۱ به معنای نداشتن علاقه فرد به فرزندآوری زیاد و در نتیجه، افزایش جمعیت کشور است.

رفتن تناسب اندام می‌گوید:

«یه ذره از هیکلم می‌ترسم می‌گم ممکنه لباسام اندازم نشه
و من یه ذره این ترسو دارم و دوست ندارم هیکلم خراب
شه؛ چون من همیشه خوش اندام بودم دوست ندارم این از
بین بیره ...» (۳۵ساله، کارشناسی ارشد، شاغل، بدون
فرزند).

۸- نگرانی از نداشتن فرزند تم مرکزی دیگری است که

نگرانی‌های ۵ نفری را مطرح می‌کند که فرزند ندارند.
نگرانی‌هایی همچون احساس نیاز در آینده (منفرد)، ترس از
تنهایی (مشترک) و نیاز غریزی شوهر (منفرد). برای مثال
مشارکت‌کننده‌ای درباره‌ی نیاز غریزی شوهر می‌گوید:

«می‌دونی منو چی ناراحت می‌کنه؟ این که شوهرم به من
گفته بچه نه ولی بعد خودش بچه بخواد. چرخ‌طوری
بچرخه که به زنی که بچه داره توجه کنه ...» (۳۵ساله،
کارشناسی ارشد، شاغل، بدون فرزند).

۹- تم مرکزی بعدی تجربه‌ی داشتن فرزند نزد ۶ زنی

است که فرزندداشتن را تجربه کرده‌اند. این تم مرکزی
شامل سه خوشه‌ی لذت‌بخشی (مشترک)، سختی (مشترک) و
نارضایتی (منفرد) است.

خوشه‌ی لذت‌بخشی شامل خواستنی بودن، لذت مادری،
خوشحالی، خوبی، شیرینی، معنادهی به زندگی، زندگی‌بخشی،
رضایت‌دهی و بقای خویش است. برای مثال مشارکت‌کننده‌ای
درباره‌ی بقای خویش می‌گوید:

«انگار پدر و مادرا یه طوری دیگه با بچه‌هاشون زندگی
می‌کنن و با بچه‌ها زندگیشون رو تکرار می‌کنن. اونا
زندگی، کار و شغل براشون عادی شده و اینا زندگی رو و
هیجانانشون رو با بچه تکرار می‌کنن. مثلاً بازی می‌کنه
مدرسه می‌ره بزرگ می‌شه انگار با اونا دوباره زندگی رو
تکرار می‌کنی ...» (۳۸ساله، دکتری، شاغل، دارای یک
فرزند).

خوشه‌ی سختی شامل واحدهای معنایی همچون
مسئولیت‌پذیری، خسته‌کننده بودن، دریافت نکردن کمک
ازسوی والدین و اشتغال است.

همچنین خوشه‌ی نارضایتی شامل واحدهای معنایی
نارضایتی از خود در نقش مادر و تحقق نیافتن تصویر فرزند
ایده‌آل است. برای مثال مشارکت‌کننده‌ای درباره‌ی نارضایتی از

اقتصادی (مشترک)، اشتغال (مشترک)، تحصیلات (مشترک)،
سختی فرزند (مشترک)، ویژگی‌های جنین (منفرد)، تصویر از
مادر ایده‌آل (منفرد)، فاصله‌ی سنی زیاد با فرزند (منفرد)، از بین
رفتن تناسب اندام (منفرد)، اختلاف نظر با همسر درباره‌ی
تربیت فرزند (منفرد)، کوچک‌بودن فرزند اول (منفرد) و
شرایط اجتماعی (منفرد) است.

خوشه‌ی شرایط اقتصادی شامل نداشتن استقلال مکانی از
والدین و مسائل اقتصادی است. برای مثال مشارکت‌کننده‌ای
می‌گوید:

«نگرانیم اینه برای بچه بعدیم مستقل بشم از نظر مکانی. یه
جای جدا از مامانم اینا باشیم بچه هام درست تربیت بشن
...» (۳۱ساله، کارشناسی، خانه‌دار، دارای یک فرزند).

خوشه‌ی اشتغال شامل امکان از دست دادن اشتغال و سختی
فرزندآوری با اشتغال است. مصاحبه‌شونده‌ای درباره‌ی سختی
فرزندآوری با اشتغال می‌گوید:

«بین وقتی مادرت نیست برای یه خانم شاغل خیلی سخته
مدام می‌گی کجا بذارم بچه رو چکارش کنم؟ مثلاً بچه
روی دست باقی نمونه یه وقت. مثلاً می‌گی اگر یه روز
مه‌دا به دلیل آلودگی هوا تعطیل شه من چکار کنم ...»
(۲۷ساله، کارشناسی، شاغل، بدون فرزند).

خوشه‌ی سختی فرزند شامل مسئولیت فرزند، بی‌خوابی
برای فرزند، نبود مادر بزرگ، تغییر سبک زندگی و سختی
فرزندآوری هنگام تحصیل است. مصاحبه‌شونده‌ای درباره‌ی
تغییر سبک زندگی می‌گوید:

«خب تفریحاتمون هم با اومدن اون بچه فرق می‌کنه. ما
مجبوریم مسافرتمون رو زیاد کنیم نوع تفریحاتمون فرق
کنه و با خانواده‌های بچه‌دار بگردیم. باید این توانایی‌ها
درتو باشه ...» (۳۵ساله، کارشناسی ارشد، شاغل، بدون
فرزند).

خوشه‌ی ویژگی‌های جنین شامل سلامت و جنسیت فرزند
است.

واحدهای معنایی تصویر از مادر ایده‌آل، فاصله‌ی سنی زیاد
با فرزند، از بین رفتن تناسب اندام، اختلاف نظر با همسر
درباره‌ی تربیت فرزند، کوچک‌بودن فرزند اول و شرایط
اجتماعی هم واحدهای معنایی منفردی اند که یک خوشه در
نظر گرفته شده‌اند. مشارکت‌کننده‌ای درباره‌ی نگرانی از بین

خود در نقش مادری می‌گوید:

«من فکر می‌کنم برای بچه اولم نتونستم مادر خوبی باشم؛ البته خب بچم فضوله شاید مدلش اینه؛ ولی با خودم می‌گم شاید من نتونستم وقت کافی براش بذارم ...» (۳۶ساله، دکتری، شاغل، دارای یک فرزند).

۱۰- تم مرکزی بعدی تجربه بارداری^۱ است. این تجربه شامل خوشه‌هایی همچون احساس نگرانی (مشترک)، احساسات مادرانه (مشترک)، بارداری سخت یا آسان و اقدام به سقط جنین (مشترک) است.

احساس نگرانی در زنان مطالعه شده که بارداری را تجربه کرده‌اند، به دلیل ناخواسته بودن فرزند، نداشتن آمادگی، آینده فرزند، مسائل اقتصادی، نداشتن اطمینان از رابطه با همسر، سقط جنین و نداشتن تجربه است.

احساسات مادرانه شامل واحدهای معنایی همچون دوست داشتنی بودن، کسب لذت مادری، شیرینی، دنبال کردن رشد جنین، شوق زیاد، گریه شوق‌آمیز، تشکر از خداوند، شگفتی از حیات جنین، جالب بودن حرکات رحمی جنین و انتظار برای دیدن چهره جنین است. برای مثال مشارکت‌کننده‌ای تجربیات خود را از بارداری به این شکل توصیف می‌کند:

«اولی که فهمیدم باردار شدم با شوهرم گریه کردیم نماز خوندم ... نماز شکر خوندم. بعد وقتی که برای اولین بار صدای قلب بچه رو می‌شنوی خیلی حس عجیبی بهت دست می‌ده. باز وقتی برای اولین بار بچه تو شکمت دست و پا می‌زنه خیلی حس جالبیه. همش دوست داری بچه به دنیا بیاد بینی چه شکلیه ...» (۳۱ساله، کارشناسی، خانه‌دار، دارای یک فرزند).

برخی مشارکت‌کنندگان بارداری سخت و برخی دیگر بارداری آسان را تجربه کرده‌اند. مشارکت‌کنندگان دارای تجربه بارداری سخت، با ترس از زایمان، بیماری هنگام بارداری، آسیب‌پذیری روانی، زایمان سخت و امکان سقط جنین روبه‌رو بوده‌اند. افراد دارای بارداری آسان، با زایمان و بارداری راحت روبه‌رو بوده‌اند.

دو نفر از مشارکت‌کنندگان نیز اقدام به سقط جنین کرده‌اند. این سقط جنین به دلایلی همچون نداشتن علاقه به فرزندآوری، شرایط اقتصادی، ناتوانی از مسئولیت‌پذیری، ناخواسته بودن فرزند، ترجیح نیازهای فردی و اشتغال بوده است. همچنین حسی که این افراد به فرزندشان داشته‌اند، نوعی اضافه‌بودن بچه است. برای مثال یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گوید:

«خب من اصلاً تصمیم نداشتم باردار بشم و اصلاً دوست نداشتم و احساس می‌کردم یه انگلی تو وجودم هست که باید بندازمش ...» (۳۵ساله، کارشناسی، خانه‌دار، بدون فرزند).

همچنین ۳ مشارکت‌کننده تصور حامله بودن داشته‌اند. منظور از تجربه نزدیک بارداری، تصور باردار بودن و احساسات حاصل از آن است. تم مرکزی تصور حامله بودن شامل خوشه‌های احساس ترس (منفرد)، احساس نگرانی (مشترک) و احساس سردرگمی (منفرد) بوده است. احساس ترس این افراد از صدمات ناشی از اشتغال به فرزند، ناآگاهی از چگونگی بارداری، آسیب‌های جسمی و روانی سقط جنین، نداشتن شرایط ازدواج، اختلال در برنامه‌های زندگی و تویخ‌های ناشی از سکس قبل از ازدواج بوده است. برای مثال مشارکت‌کننده‌ای که قبل از عقد رسمی با همسر خود رابطه جنسی داشته است می‌گوید:

«یه بار فکر کردم حامله‌ام. ترسیدم از اینکه سقط جنین برام خیلی دردناکه خیلی؛ یعنی اینکه باید اینقدر درد بکشم ... به دکتر چی بگم قضاوتای دکتر برای سکس قبل از ازدواج این خیلی برام ترسناک بود ...» (۳۱ساله، کارشناسی ارشد، شاغل، بدون فرزند).

علاوه بر احساس ترس، احساس نگرانی مشارکت‌کنندگان ناشی از شرایط شغلی و اقتصادی‌شان بوده است. همچنین احساس سردرگمی مشارکت‌کنندگان هنگام بارداری به دلیل بی‌میلی همسر برای فرزندآوری بوده است. مبحث بعدی بررسی شده در این پژوهش، تأثیر تعداد اعضای خانواده مبدأ بر الگوی فرزندآوری افراد مطالعه شده است. تعداد فرزندان خانواده مبدأ در مشارکت‌کنندگان در جدول زیر به نمایش درآمده است.

^۱ این تم را مشارکت‌کنندگان دارای تجربه بارداری - شامل ده نفر - بیان کرده‌اند. دو نفر از این افراد فرزند خود را سقط کرده‌اند و اکنون فرزندی ندارند.

جدول ۲- تعداد فرزندان خانواده مبدأ مشارکت‌کنندگان

مشارکت‌کنندگان	تعداد فرزندان خانواده مبدأ
۱	۳
۲	۳
۳	۴
۴	۶
۵	۴
۶	۴
۷	۳
۸	۳
۹	۲
۱۰	۳
۱۱	۳

بودن، رابطه صمیمانه خواهران و برادران، سلامت روانی، گرمی کانون خانواده و تجربه منفی از خانواده کم جمعیت است.

درنهایت، بیشتر مشارکت‌کنندگان فواید خانواده‌های پرجمعیت خود را بیشتر از مضرات آن دانسته‌اند.

دلایل نارضایتی از تعداد فرزندان خانواده مبدأ نیز شامل خوشه‌های تنش با خواهران و برادران (مشترک)، فشارهای اقتصادی (منفرد) و کم بودن تعداد فرزندان (منفرد) است.

تنش با خواهران و برادران شامل واحدهای معنایی نداشتن صمیمت با برخی خواهران و برادران، فضای رقابتی میان خواهران و برادران، احساس طرد از طرف خواهران و برادران و اختلاف سنی زیاد بین فرزندان است. برای مثال مشارکت‌کننده‌ای درباره احساس طرد می‌گوید:

«مثلاً من همیشه حس می‌کردم من اون کسی هستم که توسط دو تا خواهرام کنار گذاشته می‌شم و جالب اینه دو تا خواهرای دیگه‌ام هم همین حسو داشتن. مثلاً خواهر بزرگم میگفت شما با هم بازی می‌کردین من تنها بودم. به نظرم سه تا بچه که باشی به هر کدوم از بچه‌ها یا به یکی این حس دست می‌ده...» (۳۱ساله، کارشناسی ارشد، شاغل، بدون فرزند).

فشارهای اقتصادی نیز شامل کمبود منابع مالی برای فرزندان خانواده‌های پرجمعیت است.

۱۲- تشویق مادر به فرزندآوری آخرین تم بررسی شده است. این تم در پاسخ به این سؤال از مشارکت‌کنندگان است که آیا از سوی مادرشان به فرزندآوری تشویق می‌شوند یا خیر؟ نتایج نشان می‌دهند ۷ نفر از مشارکت‌کنندگان از سوی مادرشان به فرزندآوری تشویق می‌شوند و ۴ نفر نیز تشویقی برای فرزندآوری از طرف مادرشان دریافت نمی‌کنند.

درنهایت، ذات پدیدار اجتماعی فرزندآوری (میان‌ذهنیت زنان مطالعه‌شده از فرزندآوری) - که از واحدهای معنایی و خوشه‌های مشترک تشکیل شده است - در جدول ۳ مشاهده می‌شود:

۱۱- تم مرکزی بعدی تمایل به پیروی از الگوی

فرزندآوری مادر است. تنها سه نفر از مشارکت‌کنندگان مایل به پیروی از الگوی فرزندآوری مادرشان بودند و ۸ نفر مخالف پیروی از این الگو و مایل به فرزندآوری کمتر از مادرشان بودند.

دلایل رضایت و نارضایتی از تعداد فرزندان خانواده مبدأ عنوان دو تم استخراج شده دیگر از مصاحبه‌هاست. دلایل رضایت از تعداد فرزندان خانواده مبدأ شامل خوشه‌هایی همچون دریافت حمایت‌های اجتماعی (مشترک)، تنها نبودن (مشترک)، توانمندی فرزندان خانواده‌های پرجمعیت (مشترک) و مقایسه‌گر نبودن مادر (منفرد) است.

خوشه حمایت‌های اجتماعی شامل واحدهای معنایی حمایت‌های خواهران و برادران، تجربه خواهر داشتن و درددل کردن با خواهران و برادران است. یکی از مشارکت‌کنندگان درباره تجربه خواهر داشتن می‌گوید:

«چون بعدها که بزرگ بشی می‌فهمی خواهر داشتن چقدر خوبه شاید بتونی به دوست حرفتو بگی ولی خوب به دوست همیشه نمی‌شه اعتماد کرد و دوست بعداً تو سرت می‌زنه؛ ولی خواهر داشتن خیلی خوبه...» (۲۷ساله، کارشناسی، شاغل، بدون فرزند).

خوشه تنها نبودن شامل واحدهای معنایی تجربه با هم

جدول ۳- پدیدار اجتماعی فرزندآوری

واحد‌های معنایی	خوشه‌های مشترک	تم مشترک
از خود گذشتگی رشد زندگی مشترک رفع نیازهای عاطفی و رفع میل به فرزندآوری	فواید فرزندآوری	معنای فرزندآوری
۲/۷	-	متوسط تعداد فرزندان ایده‌آل
۱/۴	-	متوسط تعداد فرزندان معقول
دختر	-	بیشترین ترجیح جنسی فرزند
توکل به خدا در برابر شرایط اجتماعی، روزی رسان بودن خداوند و فرزندآوری تجلی امید خدا به بشر	باورهای دینی	دلایل فرزندآوری
نزدیکی به همسر، هدفمندشدن رابطه و استحکام رابطه میل به تجربه بارداری، علاقه زیاد به بچه‌ها، تجربه لذت مادری، شیرینی فرزند، علاقه شدید به فرزند داشتن، داشتن حس مادری، رفع نیازهای عاطفی، میل غریزی به فرزنددار شدن لزوم تجربه خواهر و برادری برای بچه‌ها، تنها نبودن فرزند اول، مضرات تک‌فرزندی برای تربیت کودک، وجود سازگاری اجتماعی در چندفرزندی و تجربه رابطه خوب خواهران و برادران	بهبود رابطه با همسر میل به مادری	
رشد توانمندی فردی، احساس شادی، ارضای علاقه به زندگی با خانواده، ارضای میل به پرجمعیت بودن، هدفمندشدن زندگی و افزایش احساس رضایت در میان‌سالی مستأجری، نداشتن ماشین، نداشتن استقلال مکانی از والدین، اجبار به اشتغال به دلیل مسائل مالی، نداشتن امنیت شغلی و اقتصاد ورشکسته ایران نداشتن امنیت اجتماعی کودکان در ایران، تلاش برای مهاجرت، زندگی در ایران، نداشتن اطمینان به آینده ایران، بی‌ثباتی اجتماعی، محدودیت‌های اجتماعی ایران از جمله محدودیت حجاب	کارکردهای فرزندآوری موانع اقتصادی موانع اجتماعی	موانع فرزندآوری
ترس از بارداری و زایمان قوی بودن رابطه با همسر، ترس از تخریب رابطه با همسر و توافق اولیه برای بچه‌دار نشدن	عوامل روانی اختلال در رابطه با همسر	
اشتغال، تحصیل، فعالیت شخصی زیاد و فردگرایی تمایل به نگهداری تمام‌وقت از فرزند، تعصب نسبت به فرزند، تصویر از مادر ایده‌آل، بی‌اعتمادی به تربیت مادر بزرگ و احساس گناه برای فرزندآوری در ایران تجربه زندگی سخت، پرسش فرزند از دلیل وجود، احساس پیری با فرزندآوری مسائل اقتصادی، خانه کوچک و نبود پرستار نداشتن اطمینان به آینده ایران، شرایط اجتماعی ایران، ناکارآمدی سیستم آموزشی و ناکارآمدی سیستم تربیتی نبودن ناتوانی مادر بزرگ از نگهداری فرزند و همکاری نکردن شوهر	میل به پیشرفت ایده‌آل‌های فرزندآوری دلایل معرفتی موانع اقتصادی موانع اجتماعی	موانع فرزندآوری بیش از حد معقول
تجربه زیسته منفی از اطرافیان پرجمعیت و دریافت ناکافی توجه از والدین خود سختی زایمان و بارداری و ترس از آسیب جسمی بارداری	وجودنداشتن حمایت خانواده مبدأ تجربه زیسته منفی ترس از زایمان و بارداری	
ترجیح نیازهای فردی، اشتغال و تحصیل اهمیت تربیت فرزند، اهمیت رشد تحصیلی - شغلی فرزند، وسواس در مراقبت از فرزند و اهمیت تأمین عاطفی کودکان سختی فرزند زیاد، پرتوقع بودن فرزندان و مسئولیت فرزند زیاد ضعف جسمی، محدودیت سنی، ناتوانی روانی، محدودیت زمانی و ناتوانی از بزرگ کردن فرزندان زیاد	میل به پیشرفت اهمیت کیفیت فرزند مشکلات فرزند محدودیت‌های فردی	

واحد‌های معنایی	خوشه‌های مشترک	تم مشترک
نداشتن استقلال مکانی از والدین و مسائل اقتصادی امکان از دست دادن اشتغال و سختی فرزندآوری با اشتغال	شرایط اقتصادی اشتغال تحصیلات	نگرانی از فرزندآوری
- مسئولیت فرزند، بی‌خوابی برای فرزند، نبود مادربزرگ، تغییر سبک زندگی، سختی فرزندآوری هنگام تحصیل ترس از تنهایی	سختی فرزند -	نگرانی از نداشتن فرزند
خواستنی بودن، لذت مادری، خوشحالی، خوبی، شیرینی، معنادهی به زندگی، زندگی بخشی، رضایت‌دهی و بقای خویش مسئولیت‌پذیری، خسته‌کننده بودن، دریافت نکردن کمک از سوی والدین و اشتغال	لذت‌بخشی سختی	تجربه فرزندداشتن
به دلایل ناخواسته بودن فرزند، نداشتن آمادگی، آینده فرزند، مسائل اقتصادی، نداشتن اطمینان از رابطه با همسر، امکان سقط جنین و نداشتن تجربه دوست‌داشتنی بودن، کسب لذت مادری، شیرینی، دنبال کردن رشد جنین، شوق زیاد، گریه شوق‌آمیز، تشکر از خداوند، شگفتی از حیات جنین، جالب بودن حرکات رحمی جنین و انتظار برای دیدن چهره جنین	احساس نگرانی احساسات مادرانه	تجربه بارداری
ترس از زایمان، بیماری هنگام بارداری، آسیب‌پذیری روانی، زایمان سخت و امکان سقط جنین به دلایل نداشتن علاقه به فرزندآوری، شرایط اقتصادی، ناتوانی از مسئولیت‌پذیری، ناخواسته بودن فرزند، ترجیح نیازهای فردی و اشتغال به دلیل شرایط شغلی و اقتصادی‌شان بی‌میلی به پیروی از الگوی فرزندآوری مادر	بارداری سخت یا آسان اقدام به سقط جنین احساس نگرانی	تصور حامله بودن پیروی از الگوی فرزندآوری مادر
حمایت‌های خواهران و برادران، تجربه خواهر داشتن، درددل کردن با خواهران و برادران	دریافت حمایت‌های اجتماعی	دلایل رضایت از تعداد فرزندان خانواده مبدأ
تجربه با هم بودن، رابطه صمیمانه خواهران و برادران، سلامت روانی، گرمی کانون خانواده، تجربه منفی از خانواده کم‌جمعیت توانمندی در کسب و کار اقتصادی توانمندی در روابط اجتماعی	تنها نبودن توانمندی فرزندان خانواده‌های پرجمعیت	تجربه با هم بودن تجربه منفی از خانواده کم‌جمعیت توانمندی در کسب و کار اقتصادی توانمندی در روابط اجتماعی
نداشتن صمیمت با خواهران و برادران، فضای رقابتی میان خواهران و برادران، احساس طرد از طرف خواهران و برادران تشویق مادر به فرزندآوری (بیشترین فراوانی)	تنش با خواهران و برادران	دلایل ناراضی‌تبی از تعداد فرزندان خانواده مبدأ چگونگی تشویق مادر به فرزندآوری

نتیجه

هدف پژوهش حاضر بررسی آگاهی و تجربه زیسته زنان متأهل از فرزندآوری است. برای دست‌یابی به این هدف ۱۱ زن متأهل به روش پدیدارشناسی بررسی شدند. بنا بر نتایج، پدیدار اجتماعی فرزندآوری شامل تم‌های مرکزی معنای فرزندآوری (فواید فرزند)، تعداد فرزندان ایده‌آل (۲/۷)، تعداد فرزندان معقول (۱/۴)، ترجیح جنسی فرزند (دختر)، دلایل

فرزندآوری (باورهای دینی، بهبود رابطه با همسر، میل به مادری، نفی تک‌فرزندی و کارکردهای فرزندآوری)، موانع فرزندآوری (موانع اقتصادی، موانع اجتماعی، عوامل روانی، اختلال در رابطه با همسر، میل به پیشرفت، ایده‌آل‌های فرزندپروری، دلایل معرفتی)، موانع فرزندآوری بیش از حد معقول (موانع اقتصادی و اجتماعی، حمایت‌نکردن خانواده مبدأ، تجربه زیسته منفی، ترس از زایمان و بارداری، میل به

ایرانی در چند دهه اخیر، فاصله گرفتن جامعه ایران از جامعه کشاورزی با ترجیح فرزند پسر و محیط شهری مشارکت‌کنندگان دانست. درباره دلایل فرزندآوری نیز ملاحظه می‌شود که تأثیر باورها و نیازهای عاطفی مشارکت‌کنندگان بر میل به فرزندآوری از عوامل اقتصادی بیشتر است. الگوی مشاهده‌شده در زمینه اولویت نیازهای عاطفی در فرزندآوری و اهمیت نداشتن کارکرد اقتصادی فرزندان در پژوهش حاضر مانند الگوی مشاهده‌شده در کشورهای صنعتی است.

مشارکت‌کنندگان در زمینه موانع فرزندآوری به کرات از وضعیت اجتماعی جامعه ایران احساس نگرانی کردند و به فرزندآوری در این وضعیت اجتماعی تمایلی نداشتند. وضعیت اقتصادی و آینده نامعلوم کشور مانع دیگری برای فرزندآوری بود. عوامل روانی مانند ترس از زایمان و بارداری نیز نشان‌دهنده اهمیت بدن و سلامت جسمی برای زنان امروزی است. همچنین ترس از اختلال در رابطه با همسر با آمدن فرزند و توافق دوفره برای فرزندداشتن، رواج خانواده‌های دوفره‌ای را نشان می‌دهد که فلسفه وجودی آنها فرزندآوری نیست؛ بلکه ایجاد پیوندی مستحکم با شریک جنسی و عاطفی است. میل به پیشرفت نشان می‌دهد در جامعه ایرانی فرزند باری تلقی می‌شود که هزینه‌اش برای والدین از فایده‌اش بیشتر است. برای مثال یکی از مشارکت‌کنندگان فرزندش را نوعی موجود اضافی تصویر کرده است که با تصویر غالب از مادر ایده‌آل تفاوت دارد؛ فرزندى که مانع رشد توانمندی‌های مادر شده و مادر در نهایت، او را سقط کرده است؛ البته مشارکت‌کنندگان زیادی نیز فرزندان را دارای کاردهای مثبتی همچون رضای حس عاطفی و رشد زندگی مشترک دانسته‌اند که باز هم نشان می‌دهد در جامعه امروزی ایران مانند گذشته فرزند کارکردهای مادی برای والدین به همراه ندارد؛ بلکه کارکردهای از نوع عاطفی است. ایده‌آل‌های فرزندپروری و حساسیت‌های مربوط به آن نیز نشان‌دهنده تغییرات گسترده در هنجارهای

پیشرفت، اهمیت کیفیت فرزند، مشکلات فرزند و محدودیت‌های فردی، نگرانی از فرزندآوری (شرایط اقتصادی، اشتغال، تحصیلات و سختی فرزند)، نگرانی از نداشتن فرزند (ترس از تنهایی)، تجربه فرزند داشتن (لذت بخشی و سختی همزمان)، تجربه بارداری (احساس نگرانی، احساسات مادرانه، بارداری سخت یا آسان و اقدام به سقط جنین)، تصور حاملگی (احساس نگرانی)، پیروی از الگوی فرزندآوری مادر (بی‌میلی بیشتر مشارکت‌کنندگان)، دلایل رضایت یا نارضایتی از تعداد فرزندآوری خانواده مبدأ (تنش با خواهران و برادران دلیل نارضایتی و دریافت حمایت‌های اجتماعی، تنها نبودن و توانمندی فرزندان خانواده‌های پرجمعیت از دلایل رضایت‌اند) و چگونگی تشویق مادر به فرزندآوری (تشویق مادران به فرزندآوری) است. این پدیدار اجتماعی حاصل میان‌ذهنیت مشارکت‌کنندگان پژوهش درباره فرزندآوری است.

همان‌طور که درباره معنای فرزندآوری گفته شد، فواید روانی فرزندآوری مانند از خود گذشتگی، رشد زندگی مشترک و رفع نیازهای عاطفی والدین معنای فرزندآوری نزد مشارکت‌کنندگان است؛ یعنی فواید اقتصادی فرزند یا دریافت حمایت‌های اقتصادی از او که در جوامع سنتی دیده می‌شود، میان مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر دیده نمی‌شود. همچنین تعداد فرزندان معقول به‌طور مشخصی از تعداد فرزندان ایده‌آل مشارکت‌کنندگان کمتر است و این هم بیشتر به دلیل مشکلات اقتصادی و اجتماعی است. تم بعدی بررسی‌شده ترجیح جنسی فرزند است. فرزند دختر بیشترین فراوانی را در ترجیحات مشارکت‌کنندگان دارد و این به معنای تغییر انگاره سنتی پسرخواهی میان مشارکت‌کنندگان است؛ بنابراین، به نظر می‌رسد این انگاره که پسر ادامه‌دهنده نسل و نگهدارنده نام پدر است، نسبت به گذشته ارزش کمتری یافته است. همچنین می‌توان این پدیده را ناشی از مشکلات پسران در جامعه ایران و نگرانی‌ها درباره آنها، اهمیت حمایت‌های اجتماعی دختران از خانواده در جامعه امروز ایران، رشد جایگاه اجتماعی زنان

مقایسه می‌شوند. نتایج، پژوهش مشتق و غریب‌عشقی (۱۳۹۱) را تأیید می‌کنند که در آن بیش از نیمی از پاسخویان داشتن دو فرزند را ایده‌آل می‌دانستند. با وجود این، پژوهش حاضر میان فرزندان معقول و ایده‌آل تفکیکی قائل شده است که در سایر پژوهش‌ها مشاهده نمی‌شود. همچنین نتایج، تأییدکننده نتایج پژوهش منصوریان و خوشنویس (۱۳۸۵) درباره ترجیح جنسی فرزند دختر بر پسرند.

همان‌طور که در دلایل فرزندآوری بیان شد، باورهای دینی از دلایلی بود که مشارکت‌کنندگان را به فرزندآوری تشویق می‌کرد؛ بنابراین، میان این یافته پژوهش و پژوهش‌های جانسن و هاسر (1981)، ادسر (2006)، راد و ثوابی (۱۳۹۴) و کلانتری و همکاران (۱۳۸۵) شباهت وجود دارد. از طرفی تحصیلات در پژوهش حاضر از موانع فرزندآوری محسوب می‌شود و تأییدکننده یافته‌های شیرری و بیداریان (۱۳۸۸)، پتروسکی و تانگ (2016)، سالازار و ریکوئنا (2014) و کلانتری و همکاران (۱۳۸۵) است؛ ولی حتی زنان با تحصیلات پایین نیز میل به فرزندآوری پایین داشته‌اند که این امر نتایج پژوهش عباسی‌شوازی و همکاران (۱۳۸۱) را تأیید می‌کند. می‌توان این تناقض را به اهمیت بیشتر متغیرهای دیگری همچون هنجارهای اجتماعی درباره فرزندآوری کم نسبت داد که بر عامل تحصیلات نیز تأثیر می‌گذارد.

رستگارخالد و همکاران (۱۳۹۶) و محمدی و صیفوری (۱۳۹۵) اهمیت فردگرایی بر رفتار و نگرش باروری را نشان داده‌اند و پژوهش حاضر نیز آن را تأیید کرده است. اهمیت وضعیت اقتصادی بر میل به فرزندآوری در هر دو سطح خرد و کلان بسیار در پژوهش حاضر مشاهده شده است؛ بنابراین، نتایج پژوهش تأییدکننده نتایج پژوهش نیازی و همکاران (۱۳۹۵)، دلیری (۱۳۹۷)، هزارجریبی و عباسپور (۱۳۸۹) و کلانتری و همکاران (۱۳۸۵) است. اهمیت نگرش منفی پاسخگویان به آینده نیز که در پژوهش محمدی و صیفوری (۱۳۹۵) بر آن تأکید شده است، در پژوهش حاضر مشاهده شده است؛ با این تفاوت که پژوهش حاضر معنای

فرزندپروری است که بخشی از آن ناشی از تبلیغات رسانه‌ها و پیشرفت علم روان‌شناسی است. دلایل معرفتی نیز نشان می‌دهند فرزندان امروز فرزندان پرسشگر و مطالبه‌گری از والدین‌اند و نیاز است والدین پاسخ‌های مناسب برای پرسش‌های وجودی آنها بیابند. این موانع و موانع دیگری همچون وجودداشتن حمایت‌های خانواده در بزرگ‌کردن فرزندان، تجربه زیسته منفی از خانواده‌های پرجمعیت، مشکلات فرزند و محدودیت‌های فردی مانند محدودیت‌های جسمی از جمله موانع فرزندآوری زیادند. ذکر این نکته ضروری است که تفاوت‌چندانی از نظر موانع فرزندآوری میان طبقات مختلف وجود نداشت؛ جز آنکه تأکید طبقه متوسط بر وضعیت نگران‌کننده اجتماعی از سایر طبقات بیشتر بوده است. شاید یکی از دلایل این نگرانی تأثیرپذیری زیاد طبقه متوسط از نابسامانی‌ها و محدودیت‌های اجتماعی در سال‌های اخیر بوده است. همچنین تأکید بر موانع اقتصادی در طبقه بالا مانند دو طبقه دیگر دیده نمی‌شود.

در زمینه نگرانی از نداشتن فرزند، ترس از تنهایی مهم‌ترین نگرانی زنان بدون فرزند از نداشتن فرزند بوده است. همچنین تجربه فرزند داشتن یعنی در هم آمیختگی لذت بخشی و سختی به یکدیگر نشان می‌دهد با وجود میل به فرزندآوری کم، لذت فرزند داشتن از قوی‌ترین محرک‌هایی است که زوجین را به داشتن دست کم یک یا دو فرزند تشویق می‌کند. از جمله مهم‌ترین یافته‌های پژوهش حاضر تشویق مادران زنان مشارکت‌کننده به فرزندآوری و تمایل نداشتن بیشتر مشارکت‌کنندگان به پیروی از الگوی فرزندآوری مادرانشان است. می‌توان این شکاف را نشان‌دهنده نوعی شکاف نسلی دانست که در میزان باروری پایین‌تر دهه اخیر مشاهده می‌شود. همچنین با وجود رضایت بخش زیادی از مشارکت‌کنندگان از داشتن خواهر و برادر، شرایط اقتصادی - اجتماعی، اشتغال و دلایل معرفتی از مهم‌ترین دلایلی است که سبب شده است آنها خواهان کمتر از دو فرزند باشند.

درنهایت، پیشینه تجربی و یافته‌های پژوهش حاضر

ایران با استفاده از الگوی خودهمبسته با وقفه توزیعی (ARDL)، مجله پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، د ۳، ش ۱۷، ص ۵۳-۷۶.

افشاری، ز. (۱۳۹۴). «برابری جنسیتی و باروری در ایران»، مجله زن در توسعه و سیاست، د ۱۳، ش ۲، ص ۲۴۵-۲۶۲.

بودلایی، ح. (۱۳۹۵). روش تحقیق پدیدارشناسی، تهران: جامعه‌شناسان.

تجویدی، م. و دهقان‌نیری، ن. (۱۳۹۵). «تجربه معنویت در بارداری: مطالعه بارداری»، مجله دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه، د ۱۴، ش ۸، ص ۶۷۴-۶۸۱.

حسینی، ح. (۱۳۹۲). جمعیت‌شناسی اقتصادی - اجتماعی و تنظیم خانواده، همدان: دانشگاه بوعلی سینا.

دراهمکی، الف. (۱۳۹۴). «عوامل تعیین‌کننده باروری ایده آل زنان: مطالعه باروری ایده آل زنان ۱۵ تا ۴۹ ساله دارای همسر شهر نسیم‌شهر در سال ۱۳۹۳»، مجله علوم پزشکی رازی، د ۲۲، ش ۱۴۱، ص ۵۹-۶۹.

دلیری، ح. (۱۳۹۷). «تأثیر متغیرهای اقتصادی بر نرخ باروری در استان‌های ایران»، مجله اقتصاد و توسعه منطقه‌ای، ش ۱۵، ص ۹۵-۶۷.

راد، ف. و ثوابی، ح. (۱۳۹۴). «بررسی گرایش به باروری و عوامل اجتماعی مرتبط با آن»، مجله مطالعات زن و خانواده، د ۳، ش ۱، ص ۱۵۵-۱۲۷.

رستگارخالد، الف.؛ محمدی، م. و ریاحی، م. (۱۳۹۶). «جهت‌گیری ارزشی زنان و کنترل باروری»، مجله مطالعات راهبردی زنان، د ۱۹، ش ۷۵، ص ۷-۲۹.

شیری، ط. و بیداریان، س. (۱۳۸۸). «بررسی عوامل اقتصادی - جمعیتی مؤثر بر باروری زنان ۱۵-۴۹ ساله شاغل در آموزش و پرورش منطقه ۲۲ تهران»، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، د ۳، ش ۳، ص ۹۳-۱۰۷.

عباسی‌شوازی، م. و صادقی، ر. (۱۳۸۵). «قومیت و باروری: تحلیل رفتار باروری گروه‌های قومی در ایران»، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۹، ص ۵۸-۲۹.

نامیدی از آینده نزد پاسخگویان را بیان کرده و به محدودیت‌های اجتماعی همچون حجاب و وجودداشتن حمایت اجتماعی و قانونی کافی از کودکان در ایران نیز اشاره کرده است؛ درنهایت، تأثیر خانواده‌های مبدأ بر زوجین در تم تشویق مادر به فرزندآوری به تصویر کشیده شده است که تأییدکننده پژوهش کلانتری و همکاران (۱۳۸۵) است. همچنین پژوهش حاضر و دراهکی (۱۳۹۴) در زمینه بیان اهمیت تأثیر نیاز عاطفی به فرزند در میل به فرزندآوری هم‌راستا هستند. در انتها، پژوهش حاضر به تمامی بیان‌کننده پژوهش محمودیان و همکاران (۱۳۸۸) است که کم فرزندآوری را نوعی کنش معنی دار و نوعی گفت‌وگو مسلط بر جامعه می‌داند؛ گفتمانی که بر گروه‌های اجتماعی مختلف و با شرایط متفاوت تأثیر می‌گذارد؛ درواقع، این یافته تأییدکننده نظریه اشاعه و اهمیت هنجارهای اجتماعی درباره باروری است.

پیشنهاد

سیاست‌ها درباره فرزندآوری زیاد باید به تغییرات فرهنگی مربوط به فرزندآوری توجه داشته باشند؛ درواقع، تغییرات فرزندآوری در جامعه ایران تغییراتی همه‌جانبه است که هم شامل عوامل اقتصادی هم عوامل اجتماعی - فرهنگی می‌شود. به نظر می‌رسد این تغییر تغییری منفی نیست؛ بلکه تغییری مثبت در جهت افزایش کیفیت انسان ایرانی است. تغییری برای ساختن انسان‌هایی توانمند که والدین آنها به جنبه‌های مختلف تربیتی و روانی آنها توجه کافی داشته‌اند. با وجود این، ضروری است تلاش جدی برای از میان برداشتن مشکلات اجتماعی و اقتصادی انجام شود تا زوج‌های جوان بتوانند فرزندآوری در حد معقول داشته باشند؛ در غیر این صورت فرزندداشتن پاسخی به شرایط اجتماعی - اقتصادی کنونی خواهد بود.

منابع

احمدی، ع. و ازوجی، ع. (۱۳۹۶). «تعیین‌کننده‌های کلان اقتصادی - اجتماعی نرخ باروری کل (TFR) در

- نیازی، م؛ تورنجی پور، ف؛ نوروزی، م. و عسکری کویر، الف. (۱۳۹۵). «فرا تحلیل عوامل اجتماعی مؤثر بر باروری در ایران»، *مجله برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ش ۲۹، ص ۱۱۸-۶۹.
- هزارجریبی، ج. و عباسپور، ع. (۱۳۸۹). «تأثیر عوامل اجتماعی - اقتصادی بر میزان باروری؛ مطالعه موردی: شهر تبریز»، *مجله پژوهش اجتماعی*، د ۶، ش ۳، ص ۱۵۳-۱۳۹.
- Adsera, A. (2006) "Marital Fertility and Religion in Spain, 1985 and 1999." *Population Studies: A Journal of Demography*, 60 (2): 205-221.
- Avi, S. (2009) *Phenomenology: Basing Knowledge on Appearance*. Geneva: Lulu.
- Becker, G. S. (1960). *An Economic Analysis of Fertility*, Columbia: Columbia University Press.
- Caldwell, J. C. (1982) *The Wealth Flows Theory of Fertility Decline*. London: Academic Press.
- Das, N. (1987) "Sex Preference and Fertility Behavior: A Study of Recent Indian data." *Demography*, 24 (4): 517-530.
- Easterlin, R. A. (1975). "An Economic Framework for Fertility Analysis." *Studies in Family Planning*, 6 (3): 54-63.
- Hycner, R. (1985) "Some Guideline for the Phenomenological Analysis of Interview Data." *Human Studies*, 8: 279-303.
- Janssen, G. & Hauser, M. (1981) "Religion, Socialization and Fertility." *Demography*, 18 (4): 511-528.
- Patton, M. Q. (2002) *Qualitative Research & Evaluation*, London: Sage Publication.
- Piotrowski, M. & Tong, Y. (2016) "Education and Fertility Decline in China During Transitional Times: A Cohort Approach." *Social Science Research*, 55: 94-110.
- Salazar, L. & Requena, M. (2014) "Education, Marriage and Fertility: The Spanish Case." *Journal of Family History*, 39 (3): 283-302.
- Starks, H. & Brown Trinidad, S. (2007) "Choose Your Method: A Comparison of Phenomenology, Discourse Analysis and Grounded Theory." *Qualitative Health Research*, 17 (10): 1372-1380.
- Wimpenny, I. & Grass, J. (2000) "Interviewing in Phenomenology and Grounded Theory: is There a Difference?" *Journal of Advanced Nursing*, 31 (6): 1485-1492.
- عباسی شوازی، م؛ مک‌دونالد، پ؛ حسینی چاوشی، م. و کاوه فیروز، ز. (۱۳۸۱). «بررسی دیدگاه زنان در مورد رفتارهای باروری در استان یزد با استفاده از روش‌های کیفی»، *مجله نامه علوم اجتماعی*، ش ۲۰، ص ۲۰۳-۱۶۹.
- کاوه فیروز، ز. و کرمی، ف. (۱۳۹۴). «بررسی ابعاد ساختار قدرت در خانواده و رابطه آن با باروری؛ مطالعه موردی: زنان متأهل شهر تهران»، *مجله زن و توسعه در سیاست*، د ۱۳، ش ۲، ص ۱۵۷-۱۴۰.
- کلانتری، ص؛ ربانی، ر. و اکتایی، ر. (۱۳۸۵). «بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی تأثیرگذار بر میزان باروری با تأکید بر نقش تنظیم خانواده در شهر اصفهان»، *فصلنامه دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر*، د ۱، ش ۱، ص ۱۵۰-۱۰۷.
- لوکاس، د. و میر، پ. (۱۳۹۳). *درآمدی بر مطالعات جمعیتی*، ترجمه: حسین محمودیان، تهران: دانشگاه تهران.
- محمدپور، الف. (۱۳۹۰). *روش تحقیق کیفی ضد روش (مراحل و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی)*، تهران: جامعه‌شناسان.
- محمدی، ن. و صیفوری، ب. (۱۳۹۵). «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر ترجیح باروری زنان»، *فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده*، د ۱۱، ش ۳۶، ص ۷۰-۵۰.
- محمودیان، ح؛ محمدپور، الف. و رضایی، م. (۱۳۸۸). «زمینه‌های کم‌فرزندآوری در استان کردستان؛ مطالعه موردی: شهر سقز»، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، د ۴، ش ۸، ص ۱۲۲-۸۵.
- مشقت، م. و غریب‌عشقی، س. (۱۳۹۱). «تحلیلی بر رابطه ارزش فرزندان و باروری بین زنان تهرانی»، *مجله مطالعات راهبردی زنان*، د ۵۸، ش ۱۵، ص ۱۲۰-۹۳.
- منصوریان، م. و خوشنویس، الف. (۱۳۸۵). «ترجیحات جنسی و گرایش زنان همسر دار به رفتاری باروری؛ مطالعه موردی: شهر تهران»، *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، د ۲۴، ش ۲، ص ۱۴۶-۱۲۹.